

روشن‌شناسی فلسفه صدرا

□ دکتر احد فرامرز قراملکی
دانشیار دانشگاه تهران

طرح مسئله

حال می‌توان پرسید: چرا باید فلسفه صدرائیان را حکمت برتر خواند؟ عده‌ای از متأخران چنین مسئله‌ای را طرح کرده‌اند.^۳ گفتار حاضر بر آن است که چنین مسئله‌ای را با تأمل در روشن‌شناسی حکمت ملاصدرا می‌توان پاسخ داد. با مروری بر اهم آراء صدراشناسان و منتقدان وی به جستجوی رمز و راز برتر بودن فلسفه ملاصدرا می‌پردازیم.

نظریه‌های رقیب

از آنچه تاکنون درباره تعیین معرفتی فلسفه صدرا و روش وی بیان شده شش نظریه عمده قابل گزارش است: نظریه نخست، دیدگاه بدبینانه‌ای عرضه می‌کند که براساس آن ملاصدرا بالتقاط اندیشه‌ها و برگرفتن آراء از کتب و مآخذ متعدد و آشفته ساختن آنها متهم است.

نظریه دوم، ملاصدرا را ابن‌سینای اشراقی بسبب سهروردی می‌داند. هانری کربن که در صدراشناسی مطالعه‌های گوناگون دارد^۴ می‌گوید: اگر بخواهیم بعنوان مورخ، اوصاف کلی تفکر صدرا را تعیین کنیم، باید بگوییم

چکیده

پرسش از رهاورد فلسفی صدرالمتألهین شیرازی و اصالت اندیشه فلسفی وی، از آغاز شهرت او مطرح شده است.^۱ داوری در تعیین معرفتی فلسفه صدرا، مسبوق و منوط به شناخت اضلاع روش‌شناختی حکمت متعالیه است. همانگونه که اساساً نقد و فهم سیستمی‌نگر فلسفه صدرا در ترازوی روشن‌شناسی میسور است.

علاوه بر آنچه بیان شد، ملاصدرا در خصوص اندیشه فلسفی خود ادعای فلسفه برتر را بمیان آورده و حکمت متعالیه را در عنوان مهمترین اثر فلسفی خویش اخذ کرده است. اگرچه ادعای حکمت متعالیه چندین قرن پیش از ملاصدرا طرح شده است و بعنوان مثال، ابن‌سینا، نیز چنین ادعایی دارد.^۲ اما حکمت متعالیه عنوانی است که در کاربرد رایج آن بر فلسفه ملاصدرا و پیروان وی اطلاق می‌شود.

کلید واژگان

ملاصدرا؛	روشن‌شناسی حکمت متعالیه؛
التقاطی‌گری در ملاصدرا؛	ابن‌سینای اشراقی؛
فلسفه کلامی شده؛	زبان برتر؛
تنوع طولی؛	روی‌آورد میان‌رشته‌ای.

۱. ذکواتی فراگوزلو، علیرضا، «انتقاد بر ملاصدرا در عصر حاضر» کیهان فرهنگی.

۲. ابن‌سینا، اشارات، نمط چهارم، ص ۳۰۹ و ۴۰۱.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۲۴۹؛ محقق داماد، مصطفی، «راز برتری حکمت صدرا» خردنامه صدرا، ص ۱۳ - ۱۸.

۴. مجتهدی، کریم، «ملاصدرا به روایت هانری کربن» خردنامه صدرا، ص ۳۷ و ۳۸.

*** اگر بخواهیم این تقسیم بندی زبانی را در تبیین و تفهیم حکمت متعالیه صدرالدین شیرازی بکار بندیم، باید بگویم او برای آموزش عالی فلسفه خود، دو زبان را بکار گماشته است که یکی را زبان برتر یعنی حکمت متعالیه نام نهاده است که بوسیله آن سخن از فلسفه خود به میان آورده است.**

روی آورد متعالیه میان رشته‌ای

شش نظریه گزارش شده را، پیش از این، مورد نقد قرار داده و نظریه مختار را پیشنهاد کرده‌ام.^۵ در این مقاله به تحلیل و تبیین نظریه مختار می‌پردازیم.

نظریه‌هایی که در تفسیر متعالیه بودن فلسفه صدر ا ارائه شده است، بنحوی بر این نکته وفاق تأکید آمیز دارند که ملاصدرا از میراث علمی پیشینیان بهره برده است. همین نکته مورد وفاق، آغاز شایسته‌ای برای تحلیل تعیین معرفتی صدر است. بدون تردید فلسفه صدر آمیزه‌ای از

که البته در مقابل یکی از پیروان ابن سینا هستیم. ملاصدرا با آثار ابن سینا کاملاً آشنا بود و آنها را تفسیر می‌کرد، اما او ابن سینای اشراقی بسبب سهروردی است ... باز باید گفت: این متفکر ابن سینایی اشراقی و بنحو عمیق مملو از نظریه‌های حکیم الهی و عارف اقدس یعنی ابن عربی است.^۵

نظریه سوم، اندیشه فلسفی صدر را در واقع فلسفه کلامی شده تلقی می‌کند، مطهری این دیدگاه را گزارش و نقد می‌کند:

این تصور غلط است، فلسفه اسلامی قدیمی به طرف کلام نیامد. این کلام بود که بتدریج تحت نفوذ فلسفه قرار گرفت و آخر کار در فلسفه هضم شد.^۶

نظریه چهارم، براساس تمایز دو گونه زبان در تنوع طولی یعنی تمایز زبان موضوعی و فرازبان، متعالیه بودن فلسفه صدر را بمعنای برخورداری از زبان برتر تفسیر کرده است:

اگر بخواهیم این تقسیم بندی زبانی را در تبیین و تفهیم حکمت متعالیه صدرالدین شیرازی بکار بندیم، باید بگویم او برای آموزش عالی فلسفه خود، دو زبان را بکار گماشته است که یکی را زبان برتر یعنی حکمت متعالیه نام نهاده است که بوسیله آن سخن از فلسفه خود بمیان آورده است. با این تفسیر نه تنها می‌توان فلسفه صدرالمتألهین را از اتهام تلیف و ناستواری برکنار داشت بلکه بر مبنای آن می‌توان نوآوری‌های او را در سیستم (اصل موضوعی) که از نظم بی‌نظیری برخوردار است توجیه و بازسازی کرد.^۷

نظریه پنجم، براساس تمایز مقام گردآوری و مقام داوری و ویژگی حکمت متعالیه را برخوردار از آن از تنوع روی آورد و تعدد ابزار در مقام گردآوری می‌داند.^۸

دیدگاه ششم بر سامان نوین فلسفی که بر میراث فلسفی، تفسیری، کلامی و عرفانی تأسیس یافته، اشاره می‌کند. فلسفه صدر چهار راهی است که فلسفه مشاء و فلسفه اشراق و طریقه عرفا و طریقه متشرعه را بهم متصل کرد.^۹

5. Corbin, H., *La Place de Molla Sadra Shirazi dans Philosophie Iranienne*, p. 95.

۶. مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

۷. حائری یزدی، مهدی، «درآمدی بر اسفار» مجله ایران‌شناسی، ص ۷۰۹.

۸. سروش، عبدالکریم، «حکمت در فرهنگ اسلامی»، ص ۱۸۰ چ ۱۹۰ و علیزاده، بیوک، «تمایز ماهیت مکتب فلسفی ملاصدرا از دیگر مکاتب»، خردنامه صدر، ص ۹۸ - ۱۰۱.

۹. مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۲۳۲ - ۲۵۰.

۱۰. فرامرزی قراملکی، احد، «روی آورد بین رشته‌ای و هویت معرفتی فلسفه صدرایی» مقالات و پرسشها، ص ۱۲۵ - ۱۳۶ و همو، روش‌شناسی مطالعات دینی، فصل آخر.

آموزه‌های کلامی، فلسفی، تفسیری، روایی، عرفانی و ... است. اما می‌توان از روش صدرا در بهره‌مندی از میراث پیشینیان و چگونگی تألیف و ترکیب اندیشه‌های متخالف آنها در اندیشه صدرا پرسید. نظریه اول یعنی التقاط انگاری بیش از اندازه سهل‌انگارانه و ظاهرگرایانه است. مروری بر آثار ملاصدرا وجود طرح پژوهشی معینی را نشان می‌دهد که ملاصدرا با آن طرح به سراغ منابع بسیار متنوع خود رفته است.

بیان دیگر، بدون تردید ملاصدرا از متنوع‌ترین منابع برخوردار بود اما اولاً این حکایت از دغدغه‌های مبارک [از حیث اثر پژوهش] می‌کند و ثانیاً طرح و الگویی را نشان می‌دهد. دغدغه صدرا طرد هرگونه حصرگرایی روش‌شناختی و اقبال هشیارانه به کثرت‌گرایی روش‌شناختی است. طرح وی در کثرت‌گرایی روش‌شناختی را با تأمل فراوان در آثار وی می‌توان بدست آورد.

*** الگوی ملاصدرا در اقبال به رشته‌های مختلف ویزگیهای زیر را داراست: اولاً؛ اقبال وی به دانشهای گوناگون معطوف به حل مسئله واحد در فهم مسئله واحد در گستره مطالعات الهیاتی از روشها و دانشهای متعدد بهره می‌جوید. ثانیاً، اگرچه وی بظاهر از رهیافتهای رشته‌های مختلف بهره می‌جوید اما در باطن امر آنچه مورد توجه تام وی است روی آوردهای مختلف است.**

الگوی ملاصدرا در اقبال به رشته‌های مختلف ویزگیهای زیر را داراست: اولاً، اقبال وی به دانشهای گوناگون معطوف به حل مسئله واحد است. وی در فهم مسئله واحد در گستره مطالعات الهیاتی از روشها و دانشهای متعدد بهره می‌جوید. ثانیاً، اگرچه وی بظاهر از رهیافتهای رشته‌های مختلف بهره می‌جوید اما در باطن امر آنچه مورد توجه تام وی است روی آوردهای مختلف است. وی در واقع در تحلیل مسئله‌ای واحد، روی آوردهای مختلف را بمیان می‌آورد. ثالثاً، وی به سنجش مقایسه‌ای و گزینش بهترین روی آورد نمی‌پردازد و همچنین به جمع مکانیکی و همنشین کردن رهیافتهای علوم مختلف در حل مسائل واحد نیز مبادرت نمی‌کند بلکه روش صدرا به چالش کشاندن روی آوردهای مختلف در مسئله‌ای واحد است.

ملاصدرا روی آورد سینوی را با رویکرد فخر رازی به چالش می‌کشد، فخر رازی را به گفتگوی مؤثر با خواجه می‌نشانند. در طرح مطالعاتی ملاصدرا کسانی چون غزالی و محی‌الدین ابن عربی و حکمای دوره شیراز، متکلمانی چون شارح مقاصد همه به گفتگوی اثربخش می‌نشینند. هدف ملاصدرا دستیابی به روی آوردی از افق متعالیتر است. چالش بین روی آوردها مجالی برای فراتر رفتن و از موضع جامع‌نگر به تجربه فلسفی دست یافتن است. ره‌آورد چالش بین رشته‌ها، روی آورد ژرف‌نگر را بارمغان می‌آورد و اخذ چنین روشی که امروزه آن را مطالعه میان رشته‌ای می‌خوانیم، تک بعدی‌نگری را برطرف کرده و نوآوریهای فراوان را به میان می‌آورد.

نمونه روشن از این ادعا را در آغاز جلد هشتم اسفار (آغاز علم النفس) می‌توان یافت. ملاصدرا مسئله علم نفس به خود را به میان می‌آورد و ابن‌سینا، فخر رازی، خواجه طوسی و دیگر دانشمندان را به چالش و گفتگوی اثربخش می‌خواند و با دستیابی به افق متعالی، پاسخی بدیع و نوین برای علم به خود می‌یابد که نزد دانشمندان سلف و منابع ملاصدرا دیده نمی‌شود.^{۱۱}

۱۱. ملاصدرا، اسفار، ج ۸، ص ۴۸.

بنابراین اگر وی رهیافت نظری بحث را با روی آورد ذوقی اشراقی می‌آمیزد^{۱۲} و اگر انسانشناسی صدرا بعنوان مثال، مبتنی بر منابع تفسیری، عرفانی، کلامی، مشائی و اشراقی است^{۱۳} بر مطالعه میان‌رشته‌ای استوار است و نه صرفاً اخذ از رشته‌های گوناگون است تا به التقاط و حیرت بینجامد.

کنترل کردن آنهاست. مروری بر زندگی ملاصدرا این توانایی را در رفتارهای ارتباطی بخوبی نشان می‌دهد. ملاصدرا بدلیل برخورداری از چنین توانایی، نسبت به آراء مخالف شنواست و با سعه صدر از هر گونه تنگ‌نظری و ردیه‌نویسی تعصب آمیز بر صاحبان دیگر صناعات پرهیز می‌کند.

*** اقبال به دانشهای مختلف در درجه اول مرهون تسامح و عدم تعصب رشته‌ای است. کسانی که به علم مورد تخصص خود تعصب می‌ورزند غالباً از اقبال به سایر علوم و گفتگویی اثر بخش با آنها عاجزند. مصاب دیدن خود و گمراه پنداشتن دیگران، فرد را از ارتباط مؤثر با دیگران ناتوان می‌سازد. تسامح نسبت به دیدگاههای مختلف، محتاج زمینه‌ها و پایه‌های شخصیتی خاص است. برخورداری از هوش هیجانی بالا مهمترین عنصر در این میان است.**

۲. عوامل زبانی، گفتگوی بین رشته‌ها علاوه بر زمینه‌های روانی، محتاج ارتباط زبانی و تفاهم کلامی با رشته‌های گوناگون است. آشنایی عمیق ملاصدرا با علوم مختلف و تسلط وی بر زبان و ادبیات همه دانشهایی که وی در حل مسائل الهیاتی بکار می‌گیرد، سبب شده است تا ارتباط کلامی مؤثر با صاحبان علوم و فنون مختلف پیدا کند. وی نه اندیشه‌های متکلمان را قرائت فلسفی می‌کند و نه اندیشه‌های عرفانی را فهم کلامی می‌نماید بلکه با فهم همدلانه از آراء صاحبان صناعات مختلف به چالش بین آنها می‌پردازد.

۳. سومین عامل در موفقیت ملاصدرا در برنامه مطالعات میان رشته‌ای ابزارهای منطقی است. این ابزارها شامل نگرش روش‌شناختی و مهارت‌های منطقی صدرا میشود.

اولاً، وی به چندتباری بودن بسیاری از مسائل الهیات بصیرت تحسین آمیز داشته است و بخوبی می‌دانست

عوامل موفقیت ملاصدرا در مطالعه میان رشته‌ای عوامل گوناگونی در اخذ کثرت‌گرایی روش‌شناختی ملاصدرا مؤثر بوده است. تأمل در این عوامل موفقیت صدرا را تبیین می‌کند. عوامل گوناگون مؤثر در موفقیت وی در اخذ مطالعات میان رشته‌ای را می‌توان در سه گروه روانشناختی، عوامل زبانی و ابزارهای منطقی تقسیم کرد: ۱. عوامل روانشناختی، اقبال به دانشهای مختلف در درجه اول مرهون تسامح و عدم تعصب رشته‌ای است. کسانی که به علم مورد تخصص خود تعصب می‌ورزند غالباً از اقبال به سایر علوم و گفتگویی اثر بخش با آنها عاجزند. مصاب دیدن خود و گمراه پنداشتن دیگران، فرد را از ارتباط مؤثر با دیگران ناتوان می‌سازد. تسامح نسبت به دیدگاههای مختلف، محتاج زمینه‌ها و پایه‌های شخصیتی خاص است. برخورداری از هوش هیجانی بالا مهمترین عنصر در این میان است. مراد از هوش هیجانی (یک)، توانایی وقوف لحظه‌ای بر هیجان‌ات و عواطف خویشتن، (دو)، تمایز و بازشناسی آنها و سه)، مهار و

۱۲. درزی، راحله، رابطه حکمت‌بخشی و ذوقی نزد ملاصدرا.

۱۳. اخلاقی، مرضیه، تأثیر قرآن بر انسانشناسی ملاصدرا.

مسائل مربوط به وحی، ادیان، رابطه انسان و خدا و ... ریشه در علوم مختلف دوانده است و هرگز با حصر توجه به رشته‌ای خاص همه ابعاد آنها را نمی‌توان کشف کرد و با حصر‌گرایی روش‌شناختی نمی‌توان به حل مسائل چندتباری توفیق یافت.

*** ملاصدرا بدلیل برخورداری از مهارت و توان نقد منطقی آراء، می‌توانست بر چالش بین رشته‌ها دامن زند، آن را هدایت کند و محاکمه بین آراء مختلف را به نردبان معرفت تبدیل نماید. پایبندی به اصل مسبوقیت نقد بفهم کامل دیدگاه مورد نقد، مهمترین نقش را در موفقیت ملاصدرا در این خصوص دارد.**

ثانیاً، وی ذومراتب بودن حقیقت را به نیکی تجربه کرده بود و امکان کشف همه حقیقت و فهم نهایی امور را منتفی می‌دانست و همیشه در تقرب به حقیقت و دریافت مرتبه‌ای ژرفتر تلاش می‌کرد. وصول به مرتبه‌ای او را چندان غره نمی‌کرد تا از طلب وصول به مراتب ژرفتر ناتوان و محروم گردد.

ثالثاً، ملاصدرا بدلیل برخورداری از مهارت و توان نقد منطقی آراء، می‌توانست بر چالش بین رشته‌ها دامن زند، آن را هدایت کند و محاکمه بین آراء مختلف را به نردبان معرفت تبدیل نماید. پایبندی به اصل مسبوقیت نقد بفهم کامل دیدگاه مورد نقد، مهمترین نقش را در موفقیت ملاصدرا در این خصوص دارد.

رابعاً، ملاصدرا از مهارت بررسی تطبیقی برخوردار بود و از آن در مطالعات میان‌رشته‌ای استفاده می‌کرد. بررسی تطبیقی در آثار ملاصدرا نه یک هدف، بلکه یک روش برای فهم عمیقتر امرواست. او صرفاً بر آن نبود که خلفها و وفاقها را بدست آورد بلکه بر آن بود که از فهم مواضع خلاف و وفاق به شناخت جامع‌نگر مسائل دست یابد. از شباهتها و تفاوت‌های موردی و ظاهری فراتر می‌رفت تا مواضع خلاف و وفاق را بشناسد و در آنها تأمل کند.

منابع:

۱. اخلاقی، مرضیه، تأثیر قرآن بر انسانشناسی ملاصدرا، پراهنمایی احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳.
۲. حائری یزدی، مهدی، «درآمدی بر اسفار» مجله ایرانشناسی، سال چهارم، ش ۴، زمستان ۱۳۷۱.
۳. خامنه‌ای، سید محمد، «نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتهلین»، خردنامه صدرا، ش ۸ و ۹، ۱۳۷۶.
۴. درزی، راحله، رابطه حکمت بحثی و ذوقی نزد ملاصدرا، پراهنمایی احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲.
۵. ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، «انتقاد بر ملاصدرا در عصر حاضر»، کیهان فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷.
۶. سروش، عبدالکریم، «حکمت در فرهنگ اسلامی»، دانشگاه انقلاب، دوره جدید، ش ۹۸ و ۹۹.
۷. علیزاده، بیوک، «تمایز ماهیت مکتب فلسفی ملاصدرا از دیگر مکاتب»، خردنامه صدرا، ش ۱۰، زمستان ۱۳۷۶.
۸. فرامرز قراملکی، احد، «روی آورد بین‌رشته‌ای و هویت معرفتی فلسفه صدرایی»، مقالات و بررسیها، ش ۶۳، ۱۳۷۷.
۹. --، روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه رضوی مشهد، ۱۳۸۰.
۱۰. محقق داماد، مصطفی، «راز برتری حکمت صدرا»، خردنامه صدرا، ش ۳۲، تابستان ۱۳۸۲.
۱۱. مجتهدی، کریم، «ملاصدرا بروایت هانری کربن»، خردنامه صدرا، ش ۸ و ۹، ۱۳۷۶.
۱۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران، ۱۳۷۳.
۱۳. ملاصدرای شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۰.

14. Corbin, H. *La place de Molla Sadra Shirazi dans La philosophie Iranienne*, Studia Islamica, Paris, 1962.

* * *